



ناکامی فلین، سردرگمی تیلرسون

در حالی که کمتر از یک ماه از روی کار آمدن دولت ترامپ می‌گذشت، روند خود تخریبی مایک فلین، مشاور امنیت ملی وی کم‌کم آشکار می‌شد. این روند پس از مواجهه فلین با انتقادهای گسترده به دلیل حرف‌هایی که ادعا می‌شد به «سرگنی کیسلیاک» سفیر روسیه در امریکا زده است، آغاز شد. من شخصاً سفیر روسیه را بخوبی می‌شناختم؛ وقتی در دولت جورج بوش (پسر)، چهل و سومین رئیس‌جمهوری امریکا، معاون وزیر خارجه در امور کنترل تسلیحات و امنیت بین‌المللی بودم، کیسلیاک همتای من در وزارت خارجه روسیه بود. انتقادهای از فلین هنگامی به شکل قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت که ظاهراً معلوم شد او به پنس معاون ترامپ و دیگران درباره گفت‌وگوهایش با کیسلیاک دروغ گفته است. اما من هیچ وقت نفهمیدم که چرا فلین باید درباره گفت‌وگویی که اشکالی بر آن وارد نبود، دروغ بگوید. روایتی که مشاوران ارشد دولت و در حقیقت شخص ترامپ چند روز بعد برای من نقل کردند منطقی‌تر بود؛ آنها اعتماد به فلین را به دلیل عملکرد ناکارآمدش (همان طوری که هنری کیسینجر وزیر خارجه اسبق امریکا پیش‌بینی کرده بود) از دست داده بودند و «مسأله روسیه» فقط بهانه‌ای برای سرپوش گذاشتن بر این موضوع سیاسی بود. فلین در ساعات پایانی روز ۱۳ فوریه استعفا داد؛ بعد از یک روز پُر استرس در کاخ سفید و تنها ساعتی بعد از آنکه «کلین کانوی» سخنگوی مطبوعاتی کاخ سفید، مسئولیت ناخوشایند و غیرمنصفانه اطلاع‌رسانی به خبرنگاران حریص و منتظر را برعهده گرفته و به آنها گفته بود که ترامپ اعتماد کامل به آقای فلین دارد. این اتفاق متناقض، تصویر کامل و روشنی را از سردرگمی و بی‌نظمی حاکم بر کاخ سفید ارائه می‌کرد.

متأسفانه سردرگمی و بی‌نظمی ویژگی بارز شورای امنیت ملی امریکا در سه هفته نخست شروع کار دولت ترامپ نیز بود. تصمیم‌گیری‌های شخصی ناسامانی‌هایی را به بار آورده بود، به طوری که مایک پینوئو رئیس سازمان سیا شخصاً در اقدامی تکان دهنده و تقریباً بی‌سابقه، صلاحیت امنیتی و مجوز دسترسی به «اطلاعات حساس طبقه‌بندی شده» یکی از گزینه‌های پیشنهادی فلین برای تصدی یکی از پست‌های ارشد مدیریتی در شورای امنیت ملی را رد کرد. رد چنین مجوز مهمی همان طوری که همه می‌دانند، مانع از کار کردن فرد مذکور در شورای امنیت ملی شد که ضربه‌ای مهلک به فلین وارد کرد. فلین همچنین اختلافاتی با برخی مقام‌های کارکنه شورای امنیت ملی داشت که از دوره اوپاما در این شورا حضور داشتند. این افراد طبق یک رسم رایج، با وجود آغاز ریاست‌جمهوری ترامپ هنوز در شورای امنیت ملی پسر می‌بردند. چنین جدال‌هایی پیوسته باعث درز اطلاعاتی درباره روندهای بروکراتیک و کاغذبازی در کاخ سفید و ساختمان دفتر اجرایی آیزنهاور به رسانه‌ها می‌شد؛ ساختمان آیزنهاور یک ساختمان بزرگ با سنگ‌های گرانیتی به سبک و سیاق معماری ویکتوریایی است که در خیابان غربی دفتر اجرایی (دفتر رئیس‌جمهور) واقع شده و تعداد زیادی از کارکنان شورای امنیت ملی در آنجا مستقر هستند.

همچنین در رابطه با یکی از مهم‌ترین وعده‌های انتخاباتی ترامپ که ریشه در مهاجرت غیرقانونی داشت، کاخ سفید در روزهای نخست پست سر هم اشتباه می‌کرد و می‌کوشید دستورات اجرایی و سیاسی متعددی را تدوین کند. در چنین شرایطی چالش‌های قضایی اجتناب‌ناپذیر بودند و احتمال پیگرد قانونی دستورات اجرایی و سیاسی در دستگاه قضایی که مملو از منصوبان اوپاما در هشت سال ریاست‌جمهوری اش بود، بالا گرفت. اما به‌دلیل فقدان آماده‌سازی مناسب در دوره انتقالی و نبود هماهنگی داخلی، کاخ سفید در بیشترین مضضلات اولیه درباره مهاجرت مقصر بود. محتوای یک متن در «کانال داخلی» وزارت خارجه - که قرار بود واقعا داخلی باشد- به اینترنِت درز کرد.

بیش از هزار کارمند پای این متن را که بشدت منتقد ابتکارات و طرح‌های مهاجرتی ترامپ بود، امضا کرده بودند. باوجود اینکه تحلیل‌های این کانال ضعیف و از هم‌سجسته بود و بخوبی هم ارائه نشده بود، ولی با توجه به محتوای انتقادی آن، بساط سور و سات رسانه‌ها را فراهم آورد. اما محتوای درز کرده از کانال داخلی و همچنین استدلال‌های انتقادی تحلیلگران و مفسران رسانه‌ای و مخالفان دولت در کپیتول هیل (کنگره) بدون پاسخ و واکنش ماند. چه کسی مسئول آن بوده چه چیزی در دستور کار بود؟

در کمال تعجب، تیلرسون سه روز بعد از اینکه در رأی‌گیری کمیته روابط خارجی سنا در ۲۳ ژانویه با ۱۱ رأی موافق در مقابل ۱۰ رأی مخالف نامزدی‌اش برای عهده دار شدن سمت وزیر خارجه تأیید شد، به من تلفن کرد و مجبور شدم برای صحبت با وی جلسه هیأت مدیره یک شرکت تجاری را ترک کنم.

ما به مدت نیم ساعت و عمدتاً درباره مسائل سازمانی وزارت خارجه و کارایی فرآیند تصمیم‌گیری بین سازمانی گفت‌وگو کردیم. تیلرسون رثو و در کارش حرف‌های بود ولی در کل به اینکه من قائم‌مقامش بشوم علاقه‌ای نداشت. البته اگر من هم جای او بودم همین احساس را داشتم. تیلرسون بعدها به «الیوت ابرامز» - که او نیز برای قائم‌مقامی وزارت خارجه در نظر گرفته شده بود- گفته بود به‌دنبال کسی است که بدون سر و صدا و از پشت صحنه او را حمایت کند؛ نه کسی مثل من- بولتون که در سازمان ملل و به‌عنوان مفسر فاکس نیوز کاملاً جلوی صحنه بودم و مردم مرا می‌شناختند.

تیلرسون از من پرسید آیا به غیر از قائم‌مقامی به پست دیگری در وزارت خارجه علاقه دارم، گفتم، نه. بی‌دلیل هم نبود زیرا تا آن موقع سابقه نمایندگی دائم امریکا در سازمان ملل متحد را داشتم که از نظر رده شغلی در رتبه دوم قرار دارد.

تیلرسون خندید و ما درباره روابط بین وزیران خارجه و سفیران سازمان ملل که اغلب پر از شور و هیجان است، صحبت کردیم. معلوم بود که هنوز با نیکی هیلی نماینده امریکا در سازمان ملل که توسط ترامپ و قبل از تعیین وزیر خارجه منصوب شده بود، صحبتی نکرده و هنوز درباره اینکه این جعب ساعتی را چگونه مدیریت کند، به جمع‌بندی نرسیده است.

از آسیب‌پذیری تیلرسون در مقابل بروکراسی حاکم بر وزارت خارجه نگران بودم. تا ۲۱ سال سابقه کاری خود را در شرکت نفتی اکسون موبیل سپری کرده بود که در آن معیارهای روشنی برای ارزیابی عملکرد افراد و محاسبه سود و زیان شرکت وجود دارد. او کارهای ساختگی محسوب می‌شد ولی فرهنگ سازمانی حاکم بر شرکت‌های بزرگ نظیر اکسون کمتر تن به تغییر و تحولات انقلابی از درون می‌دهد.

در رابطه با فردی همچون تیلرسون که سال‌ها میراث دار کرسی کلیدی شرکت اکسون بود و باور داشت که همه زبردستانش با او در یک تیم قرار دارند، جالب بود که در سوابقش طبقه هفتم وزارت خارجه بنشیند و درباره افراد حرف‌های که در طبقات زیرین دفتر او حضور داشتند یا به کشورهای مختلف جهان اعزام شده بودند، طور دیگری فکر کند. دقیقاً به خاطر همین سابقه کاری، تیلرسون باید کسانی را دور خود جمع می‌کرد که با نقاط ضعف و قوت خدمات خارجی و اداری آشنا بودند. اما او مسیر کاملاً متفاوتی را طی کرد.

هشت صبح (افغانستان):

برخی خبر داده‌اند شاهد حضور اعضای خارجی طالبان در ولایت غزنی و افزایش تحرکات طالبان در آن بوده‌اند. از همین روستور می‌شود ممکن است، طالبان باوجود روند صلح، بخواهد همانند سال ۱۳۹۷ دست به حمله گسترده در این ولایت بزند و آن را به سقوط بکشاند.

ندا اکیش

خبرنگار

جان امریکایی‌ها برای رئیس‌جمهوری که با شعار «نخست امریکا» وارد کاخ سفید شد، کوچک‌ترین اهمیتی ندارد. این واقعیت برای سیاستمداران تراز اول حزب دموکرات آن‌قدر تلخ و دردآور است که در قالب فریاد اعتراض لئون پانه تا، وزیر دفاع سابق و رئیس سابق سیا و سوزان رایس، مشاور امنیت ملی سابق امریکا نمود پیدا کرده است. پانه تا که در دوره اوپاما وزیر دفاع و رئیس سازمان سیا بوده است، در سرمقاله‌ای در واشنگتن پست بشدت از دونالد ترامپ انتقاد کرده و گفت: هیچ عذری برای حفاظت نکردن از جان نظامیان امریکایی از رئیس‌جمهوری پذیرفته نیست. سوزان رایس، مشاور امنیت ملی اوپاما هم در یادداشتی در روزنامه نیویورک تایمز این سؤال را مطرح کرد که چرا اولویت ترامپ «نخست روسیه» است نه «نخست امریکا».

بی‌اهمیت بودن جان امریکایی‌ها برای ترامپ اگرچه در سه سال و نیم گذشته و به‌ویژه در ۶ ماه اخیر و در جریان همه‌گیری ویروس کرونا و جنبش ضدنژادپرستی «جان سیاهان ارزش دارد» بارها و بارها به اثبات رسیده است اما لئون پانه تا سوزان رایس و دبساری دیگر از مقامات فعلی و سابق امریکایی حتی‌تصورش را هم نمی‌کردند که رئیس‌جمهوری کشورشان برای جان نظامیانی که یونیفورم ایالات متحده امریکا را به تن کرده و در بیرون از مرزهای امریکا می‌جنگند، هم کوچکترین ارزشی قائل نشود. آنها فکر نمی‌کردند اطلاعاتی وجود داشته باشد که نشان دهد روسیه به طالبان پول داده که نیروهای امریکایی در خاک افغانستان



چاینا دیلی (چین):

شی‌جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری چین، در نود و نهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست کشورش، به اعضای عالی‌رتبه این حزب دستور داده، برای افزایش قدرت خود قوانین حزبی را به‌طور کامل رعایت کنند و به اصول حزب پایبند باشند و از آنها تخطی نکنند.



جان ناقابل شهروندان در دکتیرین «نخست امریکا»

لئون پانه تا و سوزان رایس در تحلیل‌هایی در واشنگتن پست و نیویورک تایمز سیاست‌های ضد مردمی ترامپ را به چالش کشیدند



را بکشند و رئیس‌جمهوری امریکا به‌جای پاسخ دادن به این اقدام مسکو در توییتر اظهار بی‌اطلاعی کند و بنویسد: هیچ‌کس به من، پنس [معاون رئیس‌جمهور] یا رئیس‌کارکنان کاخ سفید (مارک مدیسون) درباره آن به اصطلاح حملات به نیروهای نظامی ما چیزی نگفته بود.

پانه تا در سرمقاله‌ای در واشنگتن پست بشدت از ترامپ انتقاد کرده و نوشته است: آقای رئیس‌جمهوری! اینکه به شما و کارکنان ترامپ درباره این اطلاعات حیاتی چیزی گفته نشده بود، عذر قابل‌قبولی برای ناکامی کاخ سفید در حفظ جان نیروهای نظامی ما نیست. شما به جای اینکه در پاسخ بگویید: «کسی به من چیزی نگفته بود» باید می‌گفتید: ایالات متحده قصد دارد چه اقدامی در این باره بکند. او در ادامه این سرمقاله آورده است: «مهم نیست رئیس‌جمهوری چه عذری می‌آورد هیچ چیز توجیه‌کننده این عدم اقدام نیست. وظیفه رئیس‌جمهوری به‌عنوان فرمانده کل قوا تنها حفاظت از کشور نیست بلکه حفاظت از جان مردان و زنانی است که با پوشیدن یونیفورم جان خود را در خط مقدم حفاظت از کشورمان قرار می‌دهند. اگر رئیس‌جمهوری از این اطلاعات مهم خبر نداشته کارکنان او مسئول هستند، اگر شورای امنیت ملی در ماه مارس از این مسأله خبر داشته و کاری نکرده این شورا مسئول است، اگر این اطلاعات مهم در کتابیل روزانه رئیس‌جمهوری وجود داشته و رئیس‌جمهوری آن را مطالعه نکرده، او مسئول است».

پانه تا و ۸۸ مقام دفاعی و امنیتی سابق امریکا چندی پیش نیز در جریان جنبش

جان سیاهان ارزش دارد در واکنش به فرمان ترامپ به ارتش مبنی بر برپاوری با معترضان سرمقاله‌ای در واشنگتن پست منتشر کرده و این اقدام ترامپ علیه مردم کشورشان را شرم‌آور خوانده بودند. سوزان رایس هم در یادداشتی در نیویورک تایمز ترامپ را رئیس‌جمهوری که برایش روسیه اولویت دارد نه امریکایی‌ها معرفی کرده و نوشته است، دست کم از ماه فوریه و احتمالاً از مارس ۲۰۱۹ ایالات متحده می‌داشت که روسیه به گنججویان طالبان پول می‌داده تا نظامیان امریکایی را بکشند. آن زمان تا الان رئیس‌جمهوری امریکا هیچ کاری نکرده است و در عوض «انتقار» این اطلاعات را زیر سؤال می‌برد و می‌گوید، «احتمالاً این هم یک فریب‌ساختگی یا خیر دروغ است که هدفش بد نشان دادن جمهوری وجود داشته و رئیس‌جمهوری آن را

یادداشت‌لئون پانه تا و سوزان رایس در دو روزنامه رتریتر امریکایی در حالی به چاپ رسیده است که دیروز نیز جو بایدن، نامزد

دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا در یک سخنرانی مجازی از ترامپ انتقاد کرد و گفت: «اگر گزارش تایمز صحت داشته باشد، نشانگر یک افشاکاری واقعا شوکه‌کننده است و خصوصاً اینکه ترامپ از انجام اقدامات تلافی‌جویانه بازمانده است. این مسأله نشانگر شکست ترامپ در حفاظت از جان نظامیان امریکایی در افغانستان و ایستادن مقابل روسیه است. اگر رئیس‌جمهوری شوم، تردید نکند که با ولادیمیر پوتین برخورد می‌شود و بهای سنگینی روی دست روسیه می‌گذاریم.» به‌گزارش خبرگزاری فرانسه بایدن همچنین در سخنانی که روز سه‌شنبه به وقت محلی (بامداد دیروز به وقت ایران) بیان کرد، اعلام داشت، به‌دلیل گسترش همه‌گیری ویروس کرونا در سراسر ایالات متحده و مرگ بسیاری از شهروندان این کشور، تمام تجمعات انتخاباتی خود را لغو می‌کند. این درحالی است که تجمعات های انتخاباتی ترامپ همچنان ادامه دارد.

لس آنجلس تایمز (امریکا):

سازمان ملل درباره وضعیت کودکان در شرایط کرونایی هشدار داده و اعلام کرده است، ادامه شیوع کرونا باعث می‌شود، میلیون‌ها کودکی که در خانواده‌های متوسط و ضعیف زندگی می‌کنند، از تحصیل بازمانند و به جای آن زودتر از رسیدن به سن بزرگسالی، جذب بازار کار شوند.

تظاهرات ناآرام و کودتای سرکوب شده در خارطوم

گروه جهان - تظاهرکنندگان سودانی دیروز به خیابان‌های این کشور رفتند تا مقام‌های دولت موقتی سودان را به رسیدگی به مسأله قتل معترضانی که در ناآرامی‌های سال گذشته جان باختند، وادار سازند. این در حالی است که مقام‌های این کشور اعلام کرده‌اند، تلاش برخی عناصر رژیم گذشته را که قصد داشتند طی یک کودتا قدرت را دوباره در دست گیرند نافرجام گذاشته‌اند.

به‌گزارش آسوشیتدپرس، طی ناآرامی‌های سال گذشته بود که عمر البشیر، رئیس‌جمهوری سه دهه اخیر این کشور برکنار شد اما مشکلات همچنان ادامه یافت. به‌همین سبب بود که تظاهرات سه‌شنبه موسوم به «راهپیمایی میلیون نفری» توسط معترضان طراحی و به وسیله نهادهای احزاب مخالف اجرایی شد. مأموران امنیتی کوشیدند این تظاهرات را مدیریت و در صورت لزوم سرکوب کنند اما در وسیع‌ترین حضور مردمی در خیابان‌های خارطوم پس از وقایع سال پیش، چنین امری میسر نشد. حرف‌های تازه عبدالله حمدوک نخست‌وزیر سودان نیز که گمان می‌رود همچون موم در دست ژنرال‌ها باشد، مردم خشمگین را متقاعد نکرد زیرا او مدعی شد که ارتشی‌ها با قلبی بخشنده خیال برآورده‌کردن خواسته‌های مردم را دارند و به یک حکومت طولانی مدت فکر نمی‌کنند ولی اوضاع را برای برپایی یک انتخابات دموکراتیک سریع نیز مهیا نمی‌بینند. حرف‌های حمدوک در پس‌زمینه بعضی اتفاقات تاد ماه پیش سودان رنگ و لعاب لازم را نداشت زیرا در ماه ژوئن (خرداد) شماری از نزدیکان عمرالبشیر که هنوز در حزب او حاضر و فعال بودند بازداشت و پیگرد قضایی شدند.

اجرای طرح الحاق به تأخیر افتاد

گروه جهان - در حالی که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اعلام کرده بود، دیروز چهارشنبه اول جولای طرح الحاق بخش‌هایی از کرانه باختری به اراضی اشغالی را اجرایی می‌کند، وزیر خارجه این رژیم از تأخیر اجرای این طرح خبر داد بدون آنکه به تاریخ جدیدی اشاره کند. به‌گزارش الجزیره، گابی اشکنازی، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی به رادیو ارتش اسرائیل گفت: بعید می‌دانم امروز اتفاقی بیفتد.

با این حال انتظار می‌رود نتانیاهو همچنان بر اجرای این طرح پافشاری کند و تلاش‌های خود را در روزهای آینده دوباره از سر بگیرد.

لباس‌های متحدالشکل و تجهیزات سنگینی مانند زره‌پوش‌ها و تانک‌ها توسط پایگاه‌های پلیس اشاره دارد. امروزه خشونت چه در سیاست خارجی و چه در برخورد با شهروندان امریکایی، به مشکل روزافزون برای امریکا تبدیل شده است و این به‌خطر آموزش مشترک نیروهای پلیس امریکا با ارتش رژیم صهیونیستی است. در حقیقت، صدها نیروی فدralی، دولتی، محلی و حتی برخی از نیروهای اجرایی دپارتمان‌های قضایی سراسر کشور امریکا، مشابه با نیروهای رژیم صهیونیستی که مردم فلسطین را به‌صورت روزانه و گله‌ای به خاک و خون می‌کشند، آموزش دیده‌اند. البته این داستانی است که سایه‌هاوشن در امریکایی‌هم با آن آشنایی کامل دارند و بندرت اتفاق می‌افتد که دولت امریکا مرتکب جنایت علیه سایه‌هاوشن را مجازات کند.

حالات باید جمله انتهایی پیام توییتری دکتر ظریف را مطرح کرد که: «ایمان آن‌ها فرارسیده به سطله مستبدانه رژیم آپارتایدی اسرائیل در مراکز قدرت غربی پایان داده شود.»

این مردم امریکا هستند که باید با رأی رویکرد جدید خود در این خصوص تصمیم بگیرند و خود را از زیر یوغ و سلطه رژیم صهیونیستی و پشتیبانان آنها در امریکا رها سازند.

اسرائیلی است که توسط ارتش آن رژیم در سرزمین‌های اشغالی ابداع شده است. «آب متعفن» (آب متعفن) «خیابان‌هایی که در امریکا اشغال شده‌اند، نشانه‌های رژیم فاشیستی اسرائیل را برای سرکوب نظامی گروه‌ها در امریکا دارد.» کمپین مشترک نیروهای پلیس فلسطین (USCPR) نیز که یک گروه طرفدار BDS (بایکوت، محروم‌سازی و تحریم) است، پرده از آموزش پلیس امریکا توسط نیروهای دفاعی اسرائیل (ارتش اسرائیل) برداشته و قتل فجیع جوجر فلوید را متناسب با آموزش‌های مبتنی بر تاکتیک‌های نژادپرستانه افسران اسرائیلی معرفی می‌کند. این گروه طی توییتری نوشت: «ارتش اسرائیل پلیس امریکا را به روش نژادپرستانه و تاکتیک‌های پلیسی خاص آموزش می‌دهد که به‌طور سیستماتیک سایه‌هاوشن و رنگین‌پوستان دیگر را هدف قرار می‌دهد.» باید گفت آموزش در اسرائیل و حضور افسران ارتش رژیم صهیونیستی در کادر مدیریتی پلیس امریکا منجر به نظامی‌سازی پلیس امریکا، افزایش خشونت پلیس و نگاه دشمن‌پندارانه به شهروندان این کشور شده است. نظامی‌سازی مفهوم وسیعی دارد که به استفاده از تسلیحات ارتشی، فنون، آموزش‌ها،

تا به بهانه آموزش ضد تروریسم، در کنار هم تربیت شوند. این آموزش‌ها شامل یادگیری مزیای «آب متعفن» (skunk water) که توسط اسرائیل در دست شده و برای شکستن مقاومت معترضان به اشغالگری به‌کار گرفته می‌شود، است. بعد از اعتراضات فرگوسن، کلانتری سنت لوئیس امریکا شروع به خرید و انباشت آن مواد کرد. طبق گزارش سایت مذکور، واحد تجسس از مسلمانان پلیس نیویورک هم ایده‌ای بود که بر برنامه مشابهی برای جاسوسی از فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی گرفته شد. در سال ۲۰۱۶ در یکی از اعلامیه‌های سازمان عفو بین‌الملل هم به همکاری میان ضابطین رژیم صهیونیستی و نیروهای قضایی امریکا و پلیس ملی اسرائیل، اشاره شده بود. در هر حال اتفاق اخیر در مینیاپولیس، بار دیگر بحث آموزش نیروهای پلیس امریکا در اسرائیل یا فرماندهی آنها توسط نیروهای اسرائیلی را داغ کرده است. «راجر وارتز» بنیانگذار مشترک «پینک فلوید» طی مصاحبه‌ای با رویترز در ۲۵ ژوئن می‌گوید که مشابهت ترسانده‌ای در رفتار اسرائیل با فلسطینیان به رویکرد پلیس امریکا نسبت به شهروندان امریکایی، می‌بندد و عنوان می‌کند که خفه کردن فلوید با گذاشتن زانو روی گردن او شبیه «کتک

پوست و فلسطینی ویدئو و بیانیه‌ای در خصوص همبستگی «فلسطینی-سبای» در مقابل خشونت رسمی دولتی منتشر ساختند. مرانامه جنبش نجات جان سایه‌هاوشن، شامل درخواست‌هایی از امریکا مبنی بر پایان دادن به اشغال فلسطین بود. این جنبش در بسیاری از شهرها گسترش یافت. در آتلانتا گروه ATLIsReady پس از کشتار «آلتون استرلینگ» و «فیلاندو کاستالیل» توسط پلیس، قهرست درخواست‌های خود را منتشر کرد که اولین درخواست در آن برای توقف برنامه‌های آموزشی دپارتمان پلیس آتلانتا در اسرائیل بود و آواهای یهودی برای صلح، کمپین «مبادلات در رفتار ارتش رژیم صهیونیستی» می‌توان یافت. تردیدی وجود ندارد که قتل فلوید عمدی بود و پلیس توجهی به اعلام او مبنی بر نتوانایی در نفس کشیدن و سپس بی‌هوش شدنش نکرد. رفتاری که در اسرائیل به‌وفور دیده می‌شود و نیروهای این رژیم عمداً مردم فلسطین را با تیر مستقیم به کام مرگ می‌فرستند.

شاید ارتباط میان عملکرد پلیس امریکا و نیروهای اسرائیلی برای برخی تازگی داشته باشد. ولی برای فعالین مبارزه علیه اشغال فلسطین و ظلم به سیاه‌پوستان امریکایی، تازگی ندارد. در سال ۲۰۱۵ فعالان و هنرمندان سیاه

دیپلماسی کشورمان در واکنش به این خبر طی پیام توییتری نوشت: «اگر زمانی درباره اینکه چه کسی سیاست‌های خاورمیانه‌ای را به ایالات متحده و کشورهای غربی دیکته می‌کند، تردیدی وجود داشت، عنوان این خبر پاسخ را به صدایی بلند و صریح فریاد می‌زند. ایک سالهاست که سیاست در ایالات متحده را مسموم کرده و علناً به کنگره دستور می‌دهد....»

حادثه اخیر درشهر مینیاپولیس و قتل جورج فلوید زیر فشار زانوی یک پلیس، جنبه دیگری از هدایت امریکا توسط رژیم صهیونیستی را به نمایش گذاشت. خشونت که نظیر آن را بیشتر در رفتار ارتش رژیم صهیونیستی می‌توان یافت. تردیدی وجود ندارد که قتل فلوید عمدی بود و پلیس توجهی به اعلام او مبنی بر نتوانایی در نفس کشیدن و سپس بی‌هوش شدنش نکرد. رفتاری که در اسرائیل به‌وفور دیده می‌شود و نیروهای این رژیم عمداً مردم فلسطین را با تیر مستقیم به کام مرگ می‌فرستند.

شاید ارتباط میان عملکرد پلیس امریکا و نیروهای اسرائیلی برای برخی تازگی داشته باشد. ولی برای فعالین مبارزه علیه اشغال فلسطین و ظلم به سیاه‌پوستان امریکایی، تازگی ندارد. در سال ۲۰۱۵ فعالان و هنرمندان سیاه

محمد متین

گزارش‌س روابط بین‌الملل

بواسطه ساختار قانونی ایالات متحده امریکا، لایحه صهیونیستی، نفوذ و سهم بالا و تعیین‌کننده‌ای در روند سیاستگذاری و تصمیم‌گیری امریکا دارد. این تأثیرپذیری در رژیم ترامپ پررنگتر بوده و نتایجی چون: خروج امریکا از برجام، راهاندازی تروریسم اقتصادی، فرهنگی و پزشکی علیه ایران، انتقال سفارت امریکا به بیت‌المقدس، شناسایی حاکمیت اسرائیل بر بلندی‌های جولان، ترور سردار شهید سلیمانی، اعلام طرح موسوم به معامله قرن به ضرر مردم فلسطین و... داشته است.

در دوره ترامپ وضعیت به صورتی رقم خورده است که او خود را موظف به پاسخگویی به لایحه صهیونیستی ایک می‌بیند؛ نهادهای که خود را محق امر و نیی دولت و حتی کنگره یا مجلس سنای امریکا می‌داند. برای نمونه آژانس یهودی «اتله گرافیک» در دهم ژوئن ۲۰۲۰ (۲۱ خرداد ۱۳۹۹) طی گزارشی از تغییر موضع شگفت‌آور ایک خبر داده و نوشت: «اییک به قانونگذاران امریکایی چراغ سبز (اجازه) نشان داد که در مورد الحاق کرانه باختری توسط اسرائیل، انتقاد کنند.» دکتر ظریف رئیس دستگاه